

آزمون حضوری
شماره سه

رشته انسانی



تجربی | ریاضی | انسانی

ویژه کنکور
۱۴۰۳

مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

نام درس	مباحث	از صفحه	تا صفحه	مؤلف	ویراستار
منطق	درس ۸ تا انتهای کتاب صفحه‌های ۷۲ تا ۱۱۳	۲	۹	مجید پیرحسینلو	مهدی باداممه



درس هشتم: قیاس اقترانی

– ساختار قیاس اقترانی حملی (قیاس اقترانی شرطی خارج از مباحث کتاب است): –

(۱) مقدمه اول (= یک قضیه حملی)	(۱)
(۲) مقدمه دوم (= یک قضیه حملی)	(۲)
∴ نتیجه (= یک قضیه حملی)	∴

مقدمه اول: موضوع نتیجه قیاس از آن می آید. (نام دیگر: صغری.)

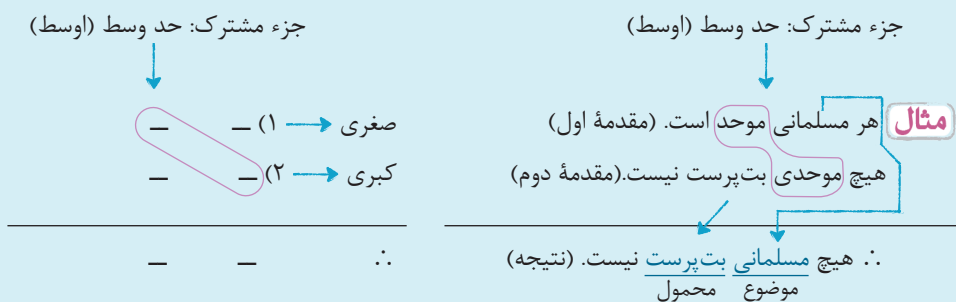
مقدمه دوم: محمول نتیجه قیاس از آن می آید. (نام دیگر: کبری.)

حد وسط: جزء مشترک میان مقدمه اول و دوم یک قیاس اقترانی که باعث ارتباط آن دو و ایجاد نتیجه می شود. (نام دیگر: اوسط.)

نتیجه: قضیه ای حملی که پس از ارتباط گیری دو مقدمه اول و دوم و حذف حد وسط ایجاد می شود. (یادآوری: موضوع آن از مقدمه اول و محمول آن از مقدمه دوم گرفته می شود.)

تعیین اول یا دوم بودن مقدمه های یک قیاس، با بررسی نتیجه قیاس ممکن است.

نکته



حد وسط در هر یک از دو مقدمه می تواند موضوع یا محمول باشد. تغییر جایگاه حد وسط در چهار حالت قابل فرض است که چهار شکل قیاس اقترانی نام می گیرند.

– روش یادگیری شکل های قیاس اقترانی: –

روش سنتی (استفاده از شعر)

اوسط اگر حمل یافت در بر صغری و باز

وضع به کبری گرفت شکل نخستین شمار

حمل به هر دو، دوم، وضع به هر دو، سوم

رابع اشکال را عکس نخستین بیار



مرورنامه آزمون آزمایشی خیلی سبز

منطق

<p>حد وسط در مقدمه دوم موضوع بود</p> <p>↑</p> <p>وضع به کبری گرفت شکل نخستین شمار</p> <p>↓</p> <p>قیاس شکل اول است.</p>	<p>حد وسط اگر در مقدمه اول محمول بود.</p> <p>↑</p> <p>اوسط اگر حمل یافت در بر صغری و باز</p>
<p>رابع اشکال را عکس نخستین بیار</p> <p>↓</p> <p>شکل و چهار عکس شکل اول است:</p> <p>حد وسط در مقدمه اول موضوع است و در مقدمه دوم محمول است.</p>	<p>حد وسط اگر در هر دو مقدمه محمول بود، قیاس شکل دوم است</p> <p>↑</p> <p>حمل به هر دو، دوم، وضع به هر دو، سوم</p> <p>↓</p> <p>حد وسط اگر در هر دو مقدمه موضوع بود، قیاس شکل سوم است</p>

روش کتاب درسی (استفاده از حافظه تصویری):

(شکل اول)	(شکل دوم)	(شکل سوم)	(شکل چهارم)
— الف ب —	— الف ب —	— الف ب —	— الف ب —
— ب ج —	— ب ج —	— ب ج —	— ب ج —
— — —	— — —	— — —	— — —
∴ الف ج —	∴ الف ج —	∴ الف ج —	∴ الف ج —

نکته

در اول و آخر قضیه، به ترتیب نشان‌دهنده سور و رابطه است.

– تعیین دامنه مصادیق موضوع و محمول یک قضیه (یکی از پیش‌نیازهای تعیین اعتبار قیاس اقترانی):

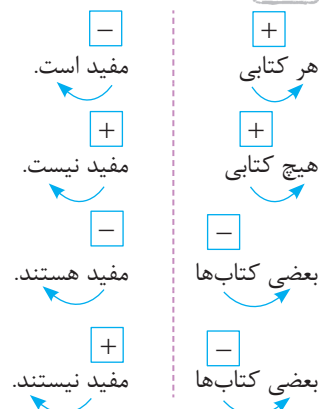
نکته

تعیین دامنه موضوع و محمول یک قضیه اصلاً به هم ربطی ندارد. دامنه مصادیق موضوع و محمول را جداگانه بررسی می‌کنیم.

علامت موضوع	روش تعیین دامنه مصادیق موضوع	علامت محمول	روش تعیین دامنه مصادیق محمول
+	سور کلی (هر / هیچ و مترادف‌های آن) پیش از موضوع → همه مصادیق موضوع	–	موجب‌بودن قضیه → برخی از مصادیق محمول
–	سور جزئی (بعضی و مترادف‌های آن) پیش از موضوع → بعضی از مصادیق موضوع	+	سالبه‌بودن قضیه → همه مصادیق محمول



مثال



- اعتبارسنجی قیاس اقترانی: -

پنج گام (دو پیش شرط + سه شرط) را به ترتیب باید طی کرد. در هر یک از مراحل اگر هر کدام به درستی رعایت نشده بود، قیاس نامعتبر است و شرایط بعدی را هم بررسی نمی‌کنیم.

به لحاظ لفظی: لفظ چیزی اضافه یا کم نداشته باشد. (جمع بودن حد وسط در یک مقدمه و مفرد بودن در مقدمه دیگر و یا نکره داشتن در یک مقدمه و نداشتنش در مقدمه‌ای دیگر، مشکلی ندارد.)

مثال: انسان از خاک است، خاک بی جان است؛ پس انسان بی جان است. (عدم تکرار حد وسط)

هر درختی گیاه است، برخی درختان دارای عمری طولانی هستند؛ پس برخی گیاهان دارای عمری طولانی هستند. (تکرار حد وسط)

به لحاظ معنایی: اشتراک لفظ رخ ندهد.

مثال: در باز است، باز پرنده است؛ پس در پرنده است. دلالت لفظ بر معنا در هر کاربرد حد وسط، یکی باشد.

مثال: مخالفان ما الاغ هستند! (دلالت التزامی: کنایه از نادانی)، الاغ علف‌خوار است (دلالت مطابقی)؛ پس مخالفان ما علف‌خوارند.

رعایت قانون نتیجه قیاس ← اگر حتی یکی از دو مقدمه قیاس، سالبه است، نتیجه هم قطعاً باید (کیفیت نتیجه قیاس) سالبه باشد. (قیاسی که این‌گونه نباشد، معتبر نیست). مثال: هیچ

باغبانی بی سواد نیست. هر بی‌سوادی، کتاب نخوانده است؛ پس هر باغبانی کتاب نخوانده است. (نامعتبر)

(۱) هر دو مقدمه سالبه نباشد. مثال: هیچ مجرمی بی گناه نیست. هیچ بی‌گناهی سزاوار زندان نیست؛ پس هیچ مجرمی سزاوار زندان نیست. (نامعتبر) [نکته مهم: این شرط را با قانون نتیجه قیاس (پیش شرط دوم) اشتباه نگیرید.]

(۲) حد وسط در هر دو مقدمه علامت منفی نداشته باشد. (حداقل در یکی مثبت باشد). مثال: برخی انسان‌ها باسواد هستند. برخی انسان‌ها بی سواد هستند؛ پس برخی باسوادها، بی‌سواد هستند. (نامعتبر)

(۳) اگر موضوع یا محمول نتیجه، دارای علامت مثبت باشد، باید در مقدمات هم علامتش مثبت باشد. اگر موضوع و محمول نتیجه، هر دو دارای علامت منفی بود، شرط سوم خودبه‌خود رعایت شده است و دیگر مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

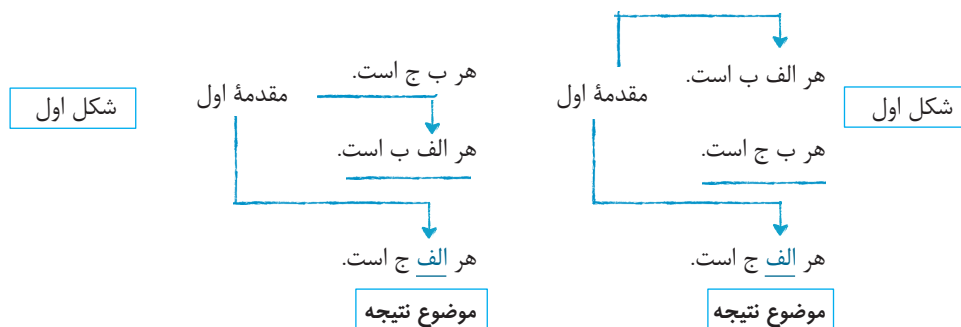
مثال: هر کارشناس ارشدی، باسواد است. بعضی انسان‌ها، کارشناس ارشد نیستند؛ پس برخی باسوادها انسان نیستند. (نامعتبر)

– نکته‌ای در مورد تفاوت شکل اول با شکل چهارم: –

تنها با جابه‌جا کردن مقدمات استدلال شکل اول، این شکل به شکل چهارم تبدیل نمی‌شود.



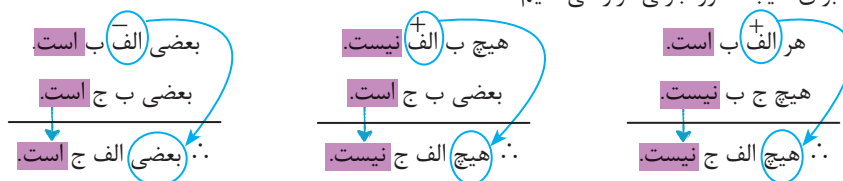
شکل اول و چهارم بودن یک قیاس، فقط بر اساس مقدمات قیاس تعیین نمی‌شود؛ بلکه دقت به نتیجه در تعیین نوع شکل، نقش اساسی دارد.



موضوع در نتیجه، مقدمه اول استدلال و محمول در نتیجه، مقدمه دوم استدلال را تعیین می‌کنند. برای همین، فقط با جابه‌جا کردن ترتیب مقدمات (بدون تغییر در نتیجه)، هم‌چنان شکل اول، شکل اول خواهد بود و به شکل چهارم تبدیل نمی‌شود.

– قانون کمیت نتیجه (بخش غیرالزامی) –

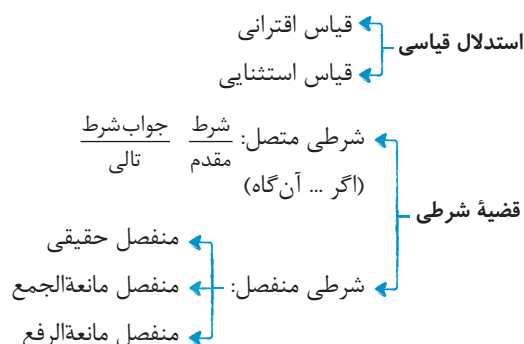
اگر موضوع نتیجه در مقدمات دارای علامت مثبت باشد، برای نتیجه سور کلی قرار می‌دهیم. اگر موضوع نتیجه در مقدمات دارای علامت منفی باشد، برای نتیجه سور جزئی قرار می‌دهیم.





مرورنامه درس نهم منطق

درس نهم: قضیه شرطی و قیاس استثنایی



انقسام قضایای شرطی	قضیه شرطی متصل	
	مقدم	تالی
قضیه شرطی منفصل و انقسام آن	قضیه‌ای که در آن به اتصال (پیوستگی) دو نسبت حکم می‌شود. (ساختار معنایی «اگر ... آن گاه ...») مانند: اگر باران بیارد آن گاه زمین تر می‌شود.	
	اجزای قضیه شرطی متصل:	
	شرط (مقدم)	اگر خوب تست بزنی آن گاه در کنکور موفق می‌شوی. جواب شرط (تالی)
	نکته ۱: ساختار شرطی به لحاظ مفهومی شرطی است نه صرفاً با آمدن الفاظ شرطی، بدون ادات شرط هم می‌توان جمله شرطی داشت. مانند:	
قضیه شرطی منفصل و انقسام آن	مقدم	خوب تست بزنی در کنکور موفق می‌شوی.
	تالی	مقدم
	نکته ۲: امکان جابه‌جایی مقدم و تالی وجود دارد. در این حالت، مقدم هم‌چنان مقدم است و تالی هم همان تالی است. (مقدم به لحاظ مفهومی مقدم است)	
	تالی	در کنکور موفق می‌شوی در صورتی که خوب تست بزنی. مقدم
قضیه‌ای که در آن به انفصال (گسستگی) میان دو نسبت حکم می‌شود. (ساختار معنایی «یا ... یا ...»)	مانند: یا من برنده می‌شوم یا رقیبم برنده می‌شود.	
	منفصل حقیقی	هر دو بخش قضیه نه با هم هم‌زمان صادق هستند نه هم‌زمان کاذب. (متناظر با تناقض) مثال: یا این چراغ روشن است یا خاموش است.
	منفصل مانع الجمع	هر دو بخش قضیه هم‌زمان با هم صادق نیستند. اما می‌توانند هر دو کاذب باشند. (متناظر با تضاد) (غیرقابل جمع در صدق) مثال: یا الان سوار ماشین احمد می‌شوم یا الان سوار ماشین محمود می‌شوم.
	منفصل مانع الرفع	هر بخش قضیه هم‌زمان با هم می‌توانند صادق باشند. اما هم‌زمان با هم نمی‌توانند کاذب باشند. (متناظر با تداخل تحت تضاد) (غیرقابل جمع در کذب) برای ایجاد روز و شب یا خورشید حرکت می‌کند یا زمین حرکت می‌کند.



قیاس استثنایی		قسمت	اقسام
قیاسی که یکی از مقدمات آن قضیه‌ای شرطی است. (مقدمه دیگر قضیه‌ای حملی است) در این قیاس خود نتیجه (عین نتیجه) یا نقیض آن در یکی از مقدمات استدلال ذکر شده است. مانند: اگر خوب تست بزنی آن‌گاه در کنکور موفق می‌شوی. (قضیه شرطی) خوب تست می‌زنی. (قضیه حملی)			
ساختار قیاس استثنایی اتصالی		روش نتیجه‌گیری	قیاس استثنایی اتصالی
(۱) قضیه شرطی متصل (۲) قضیه حملی (۳) قضیه حملی			
(۱) (اگر) <u>مقدم</u> (آن‌گاه) <u>تالی</u>			
(۲) اثبات مقدم (۳) نفی مقدم (۴) اثبات تالی (۵) نفی تالی			
(۳) اثبات تالی (۴) نفی تالی (۵) اثبات مقدم (۶) نفی مقدم		روش نتیجه‌گیری	قیاس استثنایی اتصالی
(۱) اثبات مقدم: خودت کتاب می‌خوانی. (<u>وضع مقدم</u>) معتبر (۲) نفی مقدم: خودت کتاب نمی‌خوانی. (<u>مغالطه رفع مقدم</u>) (۳) اثبات تالی: باسواد هستی. (<u>مغالطه وضع تالی</u>) (۴) نفی تالی: باسواد نیستی. (<u>رفع تالی</u>) معتبر			
(۱) با سواد هستی ✓ (۲) با سواد نیستی ✗ (۳) خودت کتاب می‌خوانی ✗ (۴) خودت کتاب نمی‌خوانی ✓			
(۱) با سواد هستی ✓ (۲) با سواد نیستی ✗ (۳) خودت کتاب می‌خوانی ✗ (۴) خودت کتاب نمی‌خوانی ✓			
فرمول ریاضی		روش نتیجه‌گیری	قیاس استثنایی اتصالی
۱) $P \rightarrow Q$ ۲) P <u>وضع مقدم</u> ∴ Q			
۱) $P \rightarrow Q$ ۲) $\sim P$ <u>رفع تالی</u> ∴ $\sim P$			
۱) $P \rightarrow Q$ <u>مغالطه</u> ۲) $\sim P$ <u>رفع مقدم</u> ∴ $\sim Q$			
۱) $P \rightarrow Q$ <u>مغالطه</u> ۲) Q <u>وضع تالی</u> ∴ P		روش نتیجه‌گیری	قیاس استثنایی اتصالی



قیاس استثنایی			
قیاس استثنایی انفصالی حقیقی مانعة الجمع مانعة الرفع			
روش نتیجه گیری اثبات یک طرف \rightarrow نفی طرف دیگر نفی یک طرف \rightarrow اثبات طرف دیگر		ساختار قیاس استثنایی انفصالی حقیقی (۱) قضیه منفصل حقیقی (۲) قضیه حملی ∴ قضیه حملی	
		Q	P
		(۱) این فرد یا با سواد است یا بی سواد است.	
		(۲) $\left. \begin{array}{l} (۱) P: \text{باسواد است.} \\ (۲) \sim P: \text{باسواد نیست.} \\ (۳) Q: \text{بی سواد است.} \\ (۴) \sim Q: \text{بی سواد نیست.} \end{array} \right\}$ $\left. \begin{array}{l} (۱) \sim Q: \text{بی سواد نیست.} \\ (۲) Q: \text{بی سواد است.} \\ (۳) \sim P: \text{باسواد نیست.} \\ (۴) P: \text{باسواد است.} \end{array} \right\} \therefore$	
		(۱) قضیه منفصل حقیقی (Q یا P) $\left. \begin{array}{l} P \\ \sim P \\ Q \\ \sim Q \end{array} \right\} (۲)$ $\left. \begin{array}{l} \sim Q \\ Q \\ \sim P \\ P \end{array} \right\} \therefore$	

درس دهم: سنجشگری در تفکر

تفکر نقادانه

تفکر نقادانه (سنجشگرانه): فراگیری مهارت‌های تفکر و تفکر کردن درباره نحوه صحیح تفکر

تفاوت متفکر نقاد و غیرنقاد: جدی گرفتن فرایند تفکر و توجه آگاهانه به آن و پرسیدن سؤالات درست و به‌جا

کاربردهای استدلال -

هدف: فهم حقیقت در علمی مانند فلسفه، ریاضیات و علوم و معارف دینی و ...	دستیابی به حقیقت
هدف: قانع کردن دیگران مانند یک سخنرانی تبلیغاتی	اقناع دیگران
هدف: تنها غلبه بر دیگران و شکست آن‌ها	غلبه بر دیگران

مغالطه بار ارزشی کلمات

بار ارزشی کلمه: معنای پنهان و درونی هر کلمه که غیر از معنای اصلی است و می‌تواند محترمانه (مثبت)، بی‌ادبانه (منفی) یا هیچ‌کدام (خنثی) باشد.

به کار بردن اشتباهی یا عمدی کلماتی که دارای بار ارزش متفاوتی هستند ← مغالطه «بار ارزشی کلمات»
مانند: بنشین / بفرما / بتمرگ!

مغالطه‌های در اثر عوامل روانی

(تأثیر عوامل روانی بر انسان ← کم‌شدن اثر استدلال ← خطای در اندیشه)

بدون ذکر دلیل نسبت‌دادن ویژگی‌های ناشایست و نامناسب به یک نظریه یا پیروان آن برای این که کسی جرأت نکند به آن نظریه توجه کند یا آن را بپذیرد. مانند: افراد فاسد و هوسران با نظرات این مدیر متدین و لایق مخالفت می‌کنند.	مغالطه مسموم کردن چاه
(بدون ذکر دلیل) نسبت‌دادن ویژگی‌های خوب و شایسته به نظریه‌ای باطل یا به معتقدان به آن تا افراد در تله بیفتند و به سمت پذیرش آن گرایش پیدا کنند (برخلاف مسموم کردن چاه) (هندوانه زیر بغل کسی گذاشتن) مانند: بعید می‌دانم فرهیختگانی چون شما با طرح پیشروی من مخالفت کنند.	مغالطه تله‌گذاری
بدون ذکر دلایل معتبر از احساسات افراد سوء استفاده شود. مانند: گرفتن سرمایه افراد با وعده سودهای نجومی	مغالطه توسل به احساسات
با بزرگ‌نمایی و بدون ذکر دلیل، سعی در تأیید یا تبلیغ نظری داشتن / با کوچک‌نمایی و بدون ذکر دلیل، سعی در مخفی کردن حقیقتی داشتن. مثال: لباس کثیف شده بشورش! - دوباره کثیف می‌شه. - خب دوباره بشور! - مگه من رخت شورم؟!	مغالطه بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی